شهرآرا روزنو
16 10 19
۴شنبه
۲۴ مهر ۱۳۹۸
۱۷ صفر ۱۴۴۱
شماره ۲۹۴۹

روایت

مهدی محمدی

تورم از زبان خودش!

سلام. من تورم هستم؛ همانی که شما توی خانه‌هایتان «گرانی» صدایش می‌زنید. خصوصیت بارز من، سرعت و شتاب صفر تا صد است؛ مثلا مجلس و دولت هفته‌ها و ماه‌ها دودوتا چهارتا می‌کنند تا حقوق کارمند و کارگر را ۱۰، ۲۰درصد افزایش دهند اما من در عرض چند ثانیه با یک نیش گاز از همه این افزایش حقوق‌ها سبقت می‌گیرم؛ البته از یارانه نیازی نیست سبقت بگیرم؛ چون از سال ۸۹ که به حساب سرپرستان خانوار آمد، در همان محدوده ۴۵هزارو ۵۰۰تومان ترمز دستی را کشید و پارک کرد.

بعضی وقت‌ها که یک ذره عقب می‌روم، بلافاصله رسانه‌ها تیتر می‌زنند: سیر نزولی قیمت‌ها! آن‌ها نمی‌دانند این عقب رفتن نیست، بلکه در این مرحله، درحال دورخیز کردن هستم تا یک پرش طولانی و زیبا داشته باشم.

بعضی‌ها می‌گویند من اختلال «بیش‌فعالی» دارم، درصورتی که خودم معتقدم من بیش‌فعال نیستم، بلکه مسئولان عزیز عارضه کم‌فعالی دارند.

من شخصیت کاریزماتیک و محبوبی ندارم؛ برای همین است که مسئولان برای کسب محبوبیت، تلاش می‌کنند با منِ نامحبوب زورآزمایی کنند؛ مثلا یک مسئول، دوربین کنترل سرعت تورم گذاشته است تا گران‌فروش‌ها را جریمه کند اما گران‌فروش‌ها برای جبران جریمه بازهم کالایشان را گران‌تر می‌کنند. این‌گونه مسئولان دقیقا مثل کسانی هستند که می‌خواهند ترمز بگیرند ولی اشتباهی پایشان می‌رود روی پدال گاز!

الان هر جایی که نشسته‌اید، نگاهی به اطرافتان بیندازید. قیمت هر کالا و جنسی را که در اطرافتان هست، با قیمت یک سال دو سال پیش آن مقایسه کنید، آیا غیر از این است که دوسه‌برابر شده است؟ با این حال یک نمونه از مسئولان هستند که من را خیلی ریز می‌بینند و دائم با کشیدن نمودار، جلوی همه مرا کوچک می‌کنند؛ مثلا وقتی سرعتم به ۲۲۰درصد می‌رسد، خودشان را به آن راه می‌زنند و جوری که انگار صفرِ سمت راستم را ندیده‌اند، می‌گویند تورم ۲۲درصد است. این حرف را گاهی آن‌قدر مطمئن می‌گویند که یک لحظه به خودم شک می‌کنم و سریع به صفرهایم دست می‌زنم تا ببینم سرجایشان هستند یا نه؛ البته مردم خودشان می‌دانند چه خبر است و عظمت من را در لحظه‌لحظه زندگی خود حس می‌کنند.

یک مسئول هم برخلاف شماها که مرا گرانی صدا می‌زنید، به من می‌گفت حباب! اصلا هم نمی‌فهمم چه فرایندی در ذهنش اتفاق افتاده بود که به من با تمام سخت‌پوستی‌ام می‌گفت حباب! مثل این است که بخواهی برای یک کرگدن آفریقایی، اسم انتخاب کنی و اسمش را بگذاری گلبرگ! واقعا برایم سوال بود چه شباهتی بین من و حبابی که خودش چند ثانیه بعد از تولدش خودبه‌خود می‌ترکد، وجود دارد.

البته چند تا مسئول اقتصادی هم بودند که تورم را کاملا حس کردند و تمهیداتشان برای مبارزه با آن جواب داد. آن‌ها با سازوکارهای خاص خودشان، فیش حقوقی‌شان را نجومی‌تر کردند و توانستند افزایش من را برای خودشان مهار کنند. اعتراف می‌کنم در این یک زمینه، نتوانستم از آن‌ها سریع‌تر عمل کنم.

همان‌طور که مسئولان برای خنثی کردن من بسیار تلاش می‌کنند، تولیدکنندگانی هم هستند که نمی‌خواهند جنسشان را گران کنند. آن‌ها وزن جنس داخل بسته‌بندی را کمتر می‌کنند تا قیمت را افزایش ندهند. آن‌ها فکر می‌کنند توانسته‌اند من را دور بزنند، درحالی‌که من خودم آخر دور زدن هستم و دور آن بسته‌بندی کوچک هم یک دور می‌زنم و قیمت همان را نیز زیاد می‌کنم.

من از آن متغیرهای اقتصادی هستم که هیچ‌وقت تنهایتان نمی‌گذارم و از قبل از تولد تا بعد از مرگ، همراه شما هستم. از آزمایش‌های سونوگرافی و غربالگری قبل از زایمان بگیر تا قیمت قبر و سنگ قبر و خرما و میکادو، همه‌جا حضور پررنگ مرا می‌بینید. به امید دیدار مجدد شما در بازار!

با هم بشنویم:
چِشمون کردن
کی خونده؟
آصف آریا
ترانه‌اش از کیه؟
آصف آریا و حمیدرضا یوسفی
حس‌وحالش چیه؟
یاد روزهای عاشقی، دلتنگی، احساسی

تحفه پوتین

از شاهین شکاری تا گوجه‌فرنگی؛ نگاهی به هدایای عجیب رهبران سیاسی دنیا به یکدیگر

محمدرضا ضیاء

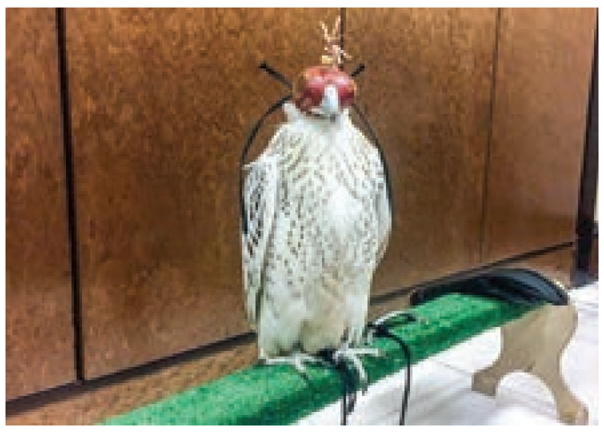

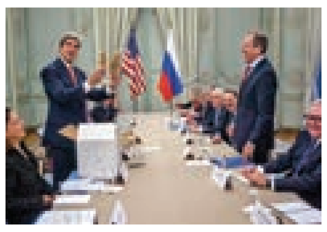

هدیه دادن رسمی است که ما ایرانی‌ها خیلی خوب حقش را ادا می‌کنیم و با مناسبت و بی‌مناسبت در ایام مختلف هدیه می‌دهیم، از شب چله گرفته تا مهریه و خانه نویی و تولد و سالگرد ازدواج، اما همین هدیه دادن ساده در روابط دیپلماسی بین کشورها پر از معناست و انتخابش حیاتی و دشوار. این رسم است که در دیدارهای مهم سیاسی، رهبران سیاسی به هم کادو می‌دهند. این کادوها و حاشیه‌هایشان گاهی آن‌قدر عجیب و جالب است که تا مدت‌ها در یادها می‌ماند. دیروز پوتین در دیدار با پادشاه عربستان یکی از این کادوهای عجیب سیاسی را رو کرد و یک شاهین کمیاب به پادشاه سعودی هدیه داد؛ به بهانه این هدیه عجیب پوتین، به‌سراغ چندین هدیه عجیب سیاسی در این سال‌ها رفته‌ایم که شاید برایتان جالب باشد.

پوتین و کادوهای عجیبش

بین همه سیاستمداران معاصر و زنده، در زمینه کادو، قطعا پوتین در صدر ایستاده است. احتمالا یک اتاق فکر پشت کادوهای رئیس‌جمهور روسیه است و برای انتخابشان حسابی وقت می‌گذارد. پوتین چند ماه پیش در سفرش به ایران به رهبر انقلاب یک قرآن نفیس هدیه داد. این کار او مسبوق به سابقه است و سال ۹۴ هم در دیدار با رهبری یک قرآن خطی قدیمی به ایشان هدیه کرده بود اما پوتین کلکسیونی از هدیه‌های عجیب به سیاستمداران دنیا را در کارنامه دارد. پوتین خرداد همین امسال در جریان کنفرانس تعامل آسیا با کیکی همراه نوشته‌های چینی و یک جعبه بستنی روسی، تولد شصت‌وشش‌سالگی رئیس‌جمهور چین را تبریک گفت. ظاهرا شی‌جین‌پینگ چینی با بستنی روسی و طعمش خاطره داشته است و علاقه زیادی به این نوع بستنی دارد. اردیبهشت امسال هم پوتین با یک سرویس چای‌خوری نفیس به دیدار رهبر کره‌شمالی رفت. کیم‌جونگ‌اون هم در مقابل یک شمشیر به رئیس‌جمهور روسیه هدیه داد و گفت که این شمشیر نشانه حمایت او و کشورش از روسیه است. رئیس‌جمهور روسیه تیر ماه در دیدار با پاپ فرانسیس، رهبر کاتولیک‌های جهان، آلبومی از آثار میکل‌آنژ، مجسمه‌ساز و نقاش معروف ایتالیایی، را به‌همراه لوح فشرده فیلم «گناه» به کارگردانی آندره کنچالوفسکی، درمورد زندگی‌نامه این هنرمند ایتالیایی، به پاپ هدیه داد. این‌ها فقط هدایایی است که پوتین در همین چند ماه اخیر به رهبران سیاسی و مذهبی دنیا تقدیم کرده است. رئیس‌جمهور نظامی و جودوکار روس در هدایای سیاسی با اختلاف، رکورددار جذابیت و شگفت‌انگیزی است.

تحقیر به سبک آمریکایی

البته پوتین تنها رئیس جمهوری نیست که هدیه‌هایش در رسانه‌ها سر وصدا به پا می‌کند. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، به رهبر کره‌شمالی، سی‌دی خواننده معروف، التون جونز را هدیه داد. کارشناسان، هدیه رئیس‌جمهور موطلایی را یک نوع تحقیر دانستند و خبر این هدیه، در زمان خودش یک جوک سیاسی شد. این هدیه را ترامپ درحالی به کیم داد که در دیدار قبلی‌شان، رهبر کره‌شمالی گفته بود این خواننده محبوب را نمی‌شناسد. قبل از این هم در سال ۲۰۰۹، باراک اوباما در مقابل هدیه گران‌قیمتی که از نخست‌وزیر انگلیس دریافت کرده بود، تنها یک سی‌دی از مجموعه فیلم‌های مورد علاقه‌اش را به گوردون براوون هدیه داد؛ کلکسیونی که عملا بی‌استفاده بود؛ چون این نوع سی‌دی در دستگاه‌های پخش‌کننده انگلستان خوانده نمی‌شد.

کلینتون و دکمه ریست

هیلاری کلینتون در سال ۲۰۰۹ زمانی که وزیر امورخارجه آمریکا بود، در سفر دیپلماتیکش به مسکو، برای سرگی لاوروف، همتای روسش، دکمه قرمز «راه‌اندازی مجدد یا RESTART» هدیه برد. منظور کلینتون از این هدیه، فراموش کردن ناراحتی‌های گذشته و جنگ سرد و آغاز دوباره یک رابطه دوستانه بود؛ البته روس‌ها از این هدیه اصلا خوششان نیامد.

ملخ غول‌پیکر ملکه انگلیس

در سال ۲۰۰۲ ملکه انگلیس هدیه‌هایی را که در طول صدارتش دریافت کرده بود، به نمایش گذاشت. در میان هدایا یک وسیله عجیب نظر رسانه‌ها را به خود جلب کرد؛ یک ملخ غول‌پیکر که برای خنک کردن نوشیدنی ساخته شده بود. این هدیه را ملکه در سال ۱۹۷۲ از ژرژ پمپیدو، نخست‌وزیر فرانسه، گرفته بود.

عاقبت شکست در پینگ‌پنگ

در سال ۲۰۱۲، دیوید کامرون، نخست‌وزیر انگلیس، به باراک اوباما، رئیس‌جمهور آمریکا، یک میز پینگ‌پنگ هدیه داد. هدیه کامرون به اوباما خالی از معنا و تحقیر نبود؛ چراکه اوباما در سفرش به فرانسه با دانش‌آموزان محلی فرانسوی پینگ‌پنگ بازی کرده و شکست خورده بود.

گوجه درعوض سیب‌زمینی

در سال ۲۰۱۵ «سرگئی لاوروف»، وزیر امورخارجه روسیه، به «جان کری» یک تی‌شرت به‌مناسبت هفتادمین سالگرد پایان جنگ دوم جهانی هدیه داد که روی آن به زبان روسی نوشته شده بود: «پیروزی(!)» دیگر هدیه جالب لاوروف به کری، دو سبد گوجه‌فرنگی محصول روسیه بود. لاوروف این گوجه‌ها را به تلافی هدیه سال گذشته کری که یک سبد سیب‌زمینی بود، به همتایش داد.

سودوکو پازلی

قوانین سودوکوی پازلی درست مثل سودوکوی معمولی است؛ با این تفاوت که جدول سودوکوی معمولی از ۹ مربع کوچک ساخته می‌شود ولی در سودوکوی پازلی این مربع‌ها به اشکال نامنظمی تغییر شکل داده‌اند. شما باید طوری اعداد یک تا ۹ را در جدول قرار دهید که در هر ستون، ردیف و هر ناحیه (که با خطوط پررنگ مشخص شده است) اعداد تکراری قرار نگیرد.

شماره ۵۵

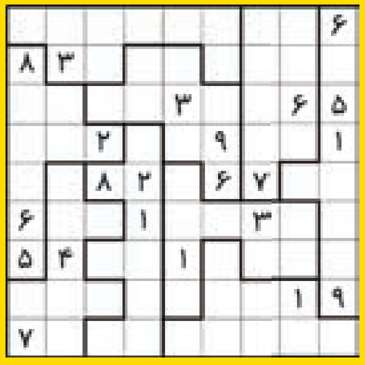

۶								
							۳	۸
۵	۶			۳				
۱			۹			۲		
		۷	۶		۲	۸		
		۳			۱			۶
				۱			۴	۵
۹	۱							
								۷

پاسخ شماره ۵۵

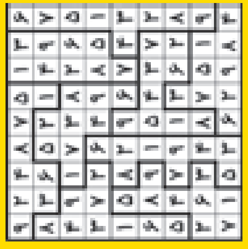

هزار تو

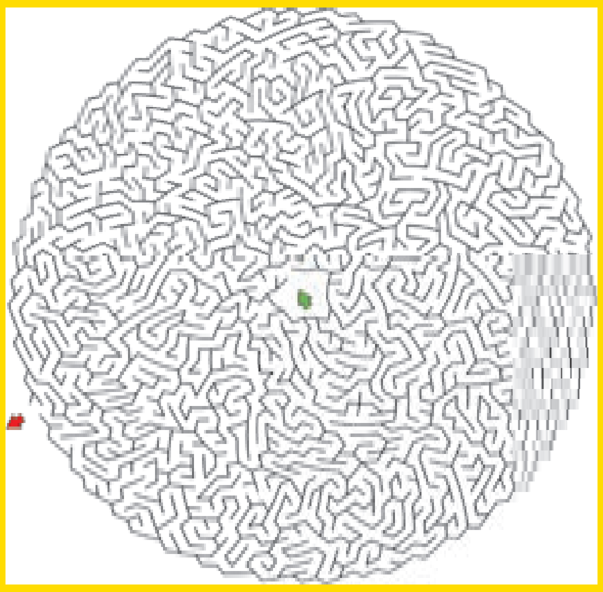

جدول ۲۷۹۳

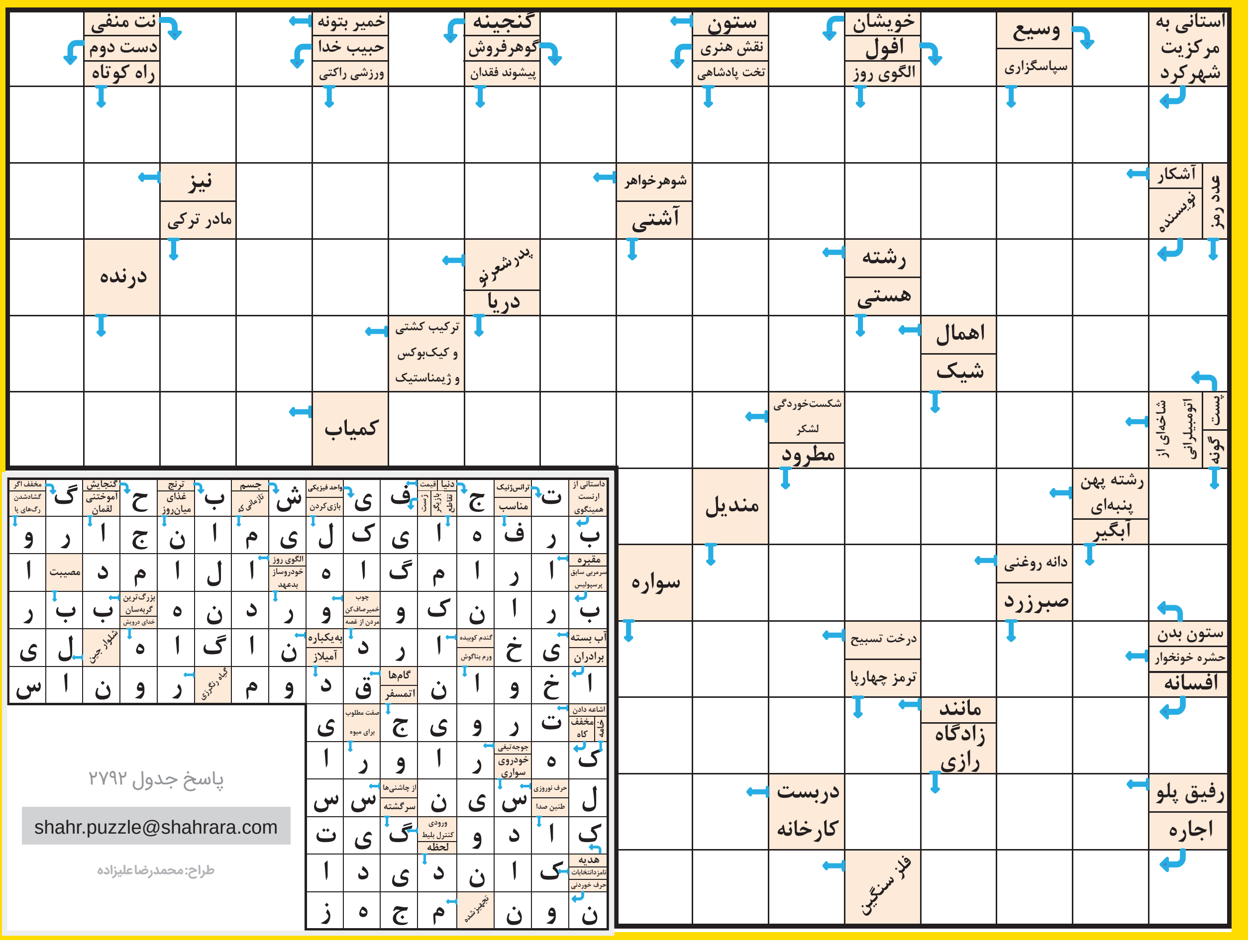

پاسخ جدول ۲۷۹۲

shahr.puzzle@shahrara.com

طراح: محمدرضا علیزاده

حاضرجواب

پژمانفر، نماینده مشهد: مردم باید از اموال نمایندگان مجلس، مطلع باشند.

اگه مطلع بشن که همه برای کاندیداتوری انتخابات مجلس، ثبت‌نام می‌کنن!

وزیر صنعت در ستاد تنظیم بازار اعلام کرد: کاهش قیمت ۹۳قلم کالای اساسی در سطح کشور.

در سطح کشور یا در سطح مغازه سر کوچه خودتون؟

ربیعی، سخن‌گوی دولت: حذف یارانه‌ها برای طبقه متوسط نیست.

طبقه متوسط: البته ما الان طبقه منفی یک هستیم!

رئیس کمیسیون عمران، حمل‌ونقل و ترافیک شورای شهر مشهد: احداث ۵۸کیلومتر مسیر دوچرخه در مشهد تا پایان سال.

یک موتورسوار: آخ جون!

عصر ایران- چرا بچه‌دار نشدن مد شده است؟

چون قبل از این ها هزینه سنگین سونوگرافی، زایمان، گرانی پوشک و شیرخشک و لباس بچه و دوا و دکتر مد شده بود.

کله ونگ

مشتبی نخعی‌راد

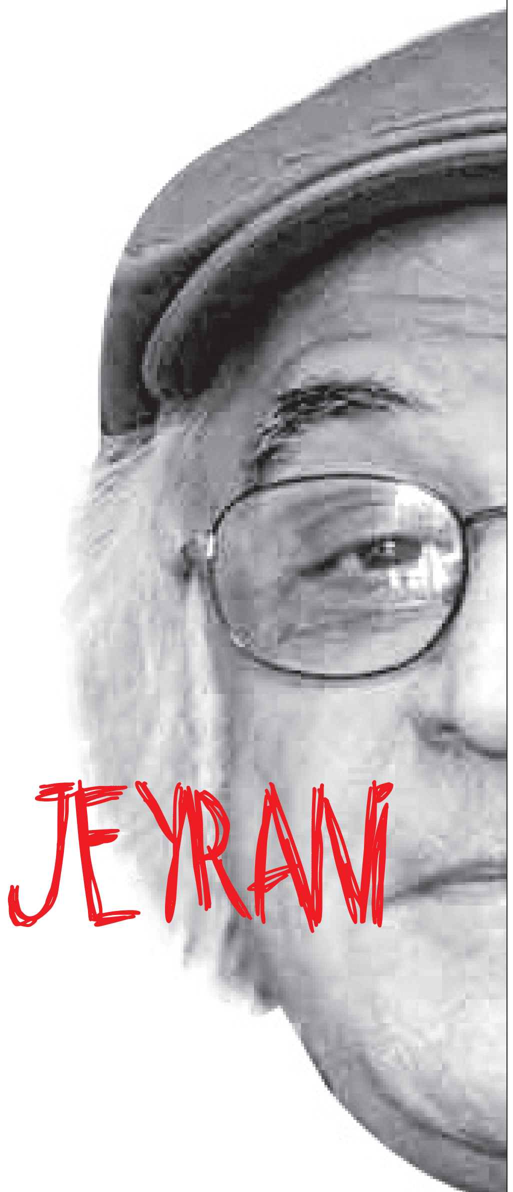

غِمت نبینُم قِناری!

جانِ مُشتِبا چِشت کِردَن. ایقَذه گفتُم ایجور سیریال و فیلِم‌های بترکون نِساز، گوش نِکِردی که آخرسر ایجور رفت. غمِت نِبینُم قِناری، وَردِرن یَگ تخم‌مرغ بیارِن مُو هموجو که فشار مُدُم، چن تا اسم بُگُم. وقتی بِشکَنه، معلوم مِره کی اینجه حسودی کِرده. عرض کُنُم خِدمت تا که... اصغر فرهادی، ابراهیم حاتمی کیا، ایرج ملکی، مارتین اسکورسیزی، باستیان شواینشتایگر، ژان‌ژاک روسو... یَره خِسته رفتُم، ای چی تخم‌مرغیه آوُردِن؟ هرچی دِرُم قایِم فشار مُدُم، نِمشکنه. وِل بدِن، مُرُم از خودش مُپُرسُم. با شمایُم دِداش گُلُم «فریدون جیرانی»، شِنُفتُم یَگ دِفگی حالت خِراب رفته و بردنت مریض‌خِنه. هرچی پرسیدن چکا رِفته دِداش، کسی چیزی نگفته. بعد دکترا گفتن: «مشکلی نِدره، چن روز اینجه بِشه، حالش خوب مِره و مِفرستِیمِش بره خِنَه‌شا.»

ابوالفضلی راس مِگَن؟ دِداش از مُو مِشنُفی، ای دکترا یَگ چیزی بِر خودشا مِگَن، نِمُگُم چاخان مُکُنَن، نه! ولی شما خام نرو. اول مِگَن یَره بِرچی مریض رفتی؟ وَخز بیه اینجه بیبینِم چکا رِفته. بعد که مِری، مِگَن مشکلی نِدِره دِداش، هیچ کاریت نیست، چاییدی. فقط یَگ غده اندِزه خربزه تو کلهات دِری، ولی خوب مِری! بعد یَگ صورت‌حساب مدن دستت، قد «حامد حدادی»! مبینی اونجه دِگه از لحاف و روشور بیگیر تا سوزن و نَمَک توی غذا رِه حساب کِردَن، اویَم خال بالا. بعد خودِته دلداری مِدی و مِگی: «خیالی نیستِگ، یَره مُو بیمه‌یُم.» دفترچه رِه مِندِزی جلوشا و مِگی دِداش، چقَد دِگه بایس بُدُم؟ اونایَم مِگَن: «خسته نِباشی، ای پولِ خِلال دِندون بعد ناهارت مِشه، بقیش رِه بایَس بِدی.»

مُو دِرُم دعا مُکُنُم زودتر حالت خوب بِره و برگردی پشت دوربین و وازم سریال درست کنی. جانِ مُشتِبا خِسته رفتُم از بس فصل چندم سریال‌های قُزمیت تلویزیون رِه نِگا کِردُم. ایقذه توش آب مِبندَن که مِترسُم یَگ‌دفه حواسما پرت بِره و آب از تو تلویزیون شُره کنه و تو آب غُطه بُخورِم. ها بُخُدا.